

بررسی حمایت از منابع روزنامه نگاری در نظام های حقوقی

جابر پریشان^۱

امیر سلمان پور^۲

چکیده :

تاکنون صد کشور جهان ، قوانینی برای حمایت از منابع روزنامه نگاران ، وضع کرده اند و بیش از نود ماده و آیین نامه در خصوص حقوق جراید و قوانین مدنی و جنایی در قانون ملی کشورشان به تصویب رسانیده اند. سوئد، جزء آن دسته از کشورهایی است که به روزنامه نگاران قانوناً حق داده تا از منابع شان حمایت کنند و قانونی برای آزادی بیان جراید وضع کرده است که به صورت جزئی از قانون اساسی کشور در آمده است. بر اساس این قانون ، هر شخصی حق دارد منبع اطلاعاتی خود را کتمان کند و نقض این قانون، پیگیرد قانونی به دنبال خواهد داشت . حمایت از منابع محرمانه تا جایی که امنیت ملی را به مخاطره نیندازد ، امکان پذیر می باشد . همچنین مقامات اجازه بازجویی و تحقیق ندارند مگر این که این اقدام آنها بر اساس قانون تعیین شده ، جایز شمرده شود . حق آزادی بیان شامل حال سایر رسانه ها از قبیل رادیو ، تلویزیون و غیره نیز می شود . حفاظت از منابع از اهمیت اولیه و ابتدایی برای روزنامه نگاران قرار دارد تا قادر باشند اطلاعات را بدست آورند . قدرت اجبار به افشای منبع باید به شدت محدود شود ؛ همچنین به منظور انجام نقش روزنامه نگاران به عنوان یک ناظر در یک جامعه دموکراتیک، دسترسی به اطلاعات بدست آمده توسط مقامات دولتی ، بر اساس اعطای عادلانه و بی طرفانه، ضروری است. در این رابطه، حفاظت از منابع از اهمیت ابتدایی برای روزنامه نگاران برخوردار می باشد؛ در نتیجه هرگونه اجبار به افشای منابع باید محدود شود به شرایط استثنایی عمومی یا حیاتی که منافع را در معرض خطر قرار می دهد.

واژگان کلیدی : روزنامه نگاری، منابع خبر، اطلاعات، منابع، حفاظت.

^۱ - کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی parishan@yahoo.com

^۲ - کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی salmanpour_313@yahoo.com

مقدمه :

حق حمایت از منابع روزنامه نگاران در قوانین بین المللی و اکثر کشورهای جهان ثبت شده است. تقریباً صد کشور جهان، قوانین ویژه ای برای حمایت از منابع روزنامه نگاران، در نظر گرفته اند. این قانون در بیست کشور به صورت مطلق اجرا می گردد. در پرونده های حقوقی بسیاری از کشورها، حق حمایت از منابع اطلاعاتی را به صورت یک قانون عمومی و یا به عنوان بخشی از حق قانونی آزادی بیان، در نظر قرار داده اند. بر اساس قانون حمایت از منابع اطلاعاتی جرایم، روزنامه نگاران حق دارند در کشورهایی که این قانون وضع شده، از افشای منابع خویش امتناع کنند؛ در غیر این صورت روزنامه نگاران چنین حقی را ندارند و در چنین شرایطی به دلایل امنیتی مجبور به افشای منابع خویش می شوند. روزنامه نگاران در کشورهایی که از هیچ گونه حمایت قانونی برخوردار نیستند، معمولاً برای افشای منابع اطلاعاتی خود تحت فشار زیادی قرار می گیرند، ولی این امر در مورد بسیاری از دولت های دموکراتیک صدق نمی کند، چنانچه روزنامه نگاران حتی زمانی که فشارهای حقوقی و سیاسی در حال افزایش است می توانند بی دغدغه از چنین حقی کاملاً برخوردار گردند.

(White , 2008 , www.ircm.u-strasbg.fr/seminaire)

قانون به درستی مانع از تداخل حقوقی در مسائل و موضوعاتی می شود که روزنامه نگاران مطرح می کنند و زمانی که به حقوق آزادی بیان آنها تجاوز می شود، حمایت دادگاه از حقوق آنها به نحو احسن صورت می گیرد و یا حتی هنگامی که از طرف طبقه های قوی جامعه مورد حمله قرار می گیرد، قانون در این زمینه برای جامعه روزنامه نگاران نقش کاملاً بی ثباتی است. بدیهی است که در صورت عدم وجود حمایت های حقوقی و قانونی احتمال اینکه روزنامه نگاران تحت فشار قرار گیرند و در نتیجه منابع اطلاعاتی آنها افشا شود بسیار زیاد است.

بند اول - تعاریف:

الف - تعریف روزنامه نگار:

موضوعی که همیشه در خصوص حمایت از منابع خبری مطرح می شود این است که روزنامه نگار کیست و به چه طریق می توان از وی حمایت کرد . جراید پیوسته در حال تغییرند و هر تغییر خود منجر به پیدایش اشکال جدیدی از رسانه ها می گردد . قوانین در اکثر مواقع شامل حال رسانه های جدید نمی شود و روزنامه نگارانی که از این تکنولوژی های جدید رسانه استفاده می کنند اغلب حمایت نمی شوند.

قانون کشور بلژیک که یکی از جامع ترین قوانین حمایت از منابع را داراست ، می گوید اعضای جراید و افراد عادی که وظیفه جمع آوری، کشف، نشر، تدوین و انتشار اطلاعات از طریق رسانه ها را بر عهده دارند و نقش مهمی در حمایت از منابع ملی ایفا کنند، مشمول این قانون می شوند. براساس نظری که قانون حکمیت در سال ۲۰۰۶ بیان کرده: «قانون حمایت از منابع باید شامل تمام اشخاص، چه آنهایی که در نوشتن متن دخالت داشته اند یا نداشته اند بشود»، ولی مجلس این قانون را اصلاح کرد.

(European federation of journalists(efj) , 2009 ,
www.ifj.org/assets/doc)

قانون فرانسه، هر شخصی که وظیفه جمع آوری و انتشار اطلاعات برای مردم ، یک یا چند شرکت، شرکت هایی که مستقیماً با مردم مرتبند و اطلاع رسانی می کنند و سایر آژانس های خبری را دارد ، خبرنگار محسوب می کند. بر اساس مقررات شورای امنیت، قانون باید از حقوق هر روزنامه نگار و یا فردی که به واسطه وسایل ارتباط جمعی (هر نوع وسایل ارتباطی) به جمع آوری و اطلاع رسانی ملی می پردازد، حمایت کند. (Ibid)

قانون باید شامل حال تمام افرادی که به کار روزنامه نگاری مشغولند ، بشود. اکثر روزنامه نگاران به صورت گروهی ، اطلاعات را جمع آوری و منتشر می کنند . سایر اعضای گروه شامل ناشر، دستیار، مدیر چاپ و بخش های خارجی نظیر خدمات، امنیتی و ارتباطات می باشند. هر یک از این اعضا به مقتضای شغلی شان تعیین می کنند که

روزنامه نگار کی و کجا باشد و اطلاعات را از چه کسی دریافت کند. بنابراین، ضرورت دارد تمام این افراد مشمول قوانینی باشند که دولت برای روزنامه نگاران تعیین کرده است. تعریف اتحادیه اروپا نیز مانند قانون کشور بلژیک است: «هر شخص عادی و یا شخصی که از طریق رسانه های جمعی، وظیفه جمع آوری و انتشار اطلاعات را بر عهده داشته باشند را می توان روزنامه نگار تلقی کرد.» (Ibid)

ب - تعریف حمایت از منابع :

بر اساس قانون جرایم، منظور از حمایت از منابع، روزنامه نگاران نیستند، بلکه اطلاعاتی است که این افراد در اختیار دارند. اسلواکی در ۹ آوریل سال ۲۰۰۸ قانون مطبوعاتی جدیدی وضع کرد که بدین قرار می باشد: «ناشران جرایم و مسؤولان جرایم نایستی منابع اطلاعاتی و یا هر گونه اطلاعاتی که منجر به شناسایی منبع شان می شود را فاش سازند و اگر منبع اطلاعاتی شان از آنها بخواهد اطلاعاتی که در اختیارشان قرار داده را منتشر نکنند ولی این کار را انجام دهند، بایستی مسؤولان جرایم، پیش از دست زدن به هر کاری مطمئن باشند که با این اقدامشان به حقوق آن شخص و یا افراد دیگر ، تجاوز نمی کنند.» (Ibid)

ناشران بایستی در قبال اسناد و مدارک ، موضوعاتی که چاپ می کنند ، اطلاعات سمعی ، بصری و سمعی - بصری که می تواند هویت شخصی را که اطلاعاتش را در اختیار آنها قرار داده ، محتاطانه عمل کنند و زمانی می توانند از انجام این مسئولیت (حمایت از منابع) رها شوند که همان کسی که اطلاعاتش را در اختیار آنها قرار داده راضی باشد. در صورت فوت این شخص، رضایت اقوام درجه یک وی لازم است و اگر چنین اشخاصی نباشند، این حق (حمایت از منابع) منتفی می باشد. (Ibid) .

حمایت از منابع برای تمامی کارمندان جرایم و نشریات، امر مهمی تلقی می گردد. زمانی که قانون به کمک اطلاعاتی که روزنامه نگاران در اختیار دارند بتواند جلوی بروز قتل و جنایت را بگیرد دیگر حمایت از منابع معنایی ندارد و آنها باید همکاری های لازم را با قانون داشته باشند. در بسیاری از کشور ها به ندرت پیش می آید که قانون

برای حمایت از منابع، حد و مرزی تعیین نکرده باشد. برای مثال در بلاروس، براساس قانونی که دولت برای رسانه ها وضع کرده، دادگاه زمانی که می خواهد در مورد پرونده ای تحقیق کند و یا به پرونده ای رسیدگی کند، می تواند از روزنامه نگاران بخواهد تا منابع اطلاعاتشان را افشا سازند. در سال های اخیر کشورهای زیادی قوانین جدیدی برای حمایت از منابع اتخاذ کرده اند ولی با این حال هنوز کشورهای زیادی باقی مانده اند که هیچ گونه تدابیری در این خصوص نیندیشیده اند.

جراید از بیشترین حد حمایت قانون برخوردارند که در این بین می توانیم به حق محرمانه نگه داشتن منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران اشاره کنیم. براساس بند ده قانون اساسی دادگاه حقوق بشر اروپا نه تنها بر حفظ مفاد و محتوای اطلاعات، بلکه بر معانی که منتقل می کنند نیز تأکید دارد. یکی از شروط مهم آزادی بیان، اصل حمایت از منابع اطلاعاتی جراید است. بدیهی است، بدون چنین حمایتی، منابع هرگز اطلاعات خودشان را در اختیار جراید نخواهند گذاشت و در نتیجه عموم مردم از موضوعات و اطلاعاتی که به نفع آنهاست، آگاه نخواهند شد. بنابراین، نقش حفاظتی جراید (از منابع عموم)، کم رنگ خواهد شد و حتی قابلیت های جراید، در کسب اطلاعات دقیق و معقول نیز تحت الشعاع قرار می گیرد. افشای منابع اطلاعات، نمی تواند با بند ده قانون اساسی سازگار باشد مگر اینکه منافع عمومی در خطر باشند.

بند دوم - اهمیت حمایت از منابع خبر برای رسانه ها:

افشای مطالب محرمانه اطلاعات، ارتباط مستقیمی با صلاحیت جراید، جهت جمع آوری اطلاعات دارد. منابع می توانند انواع اطلاعات مهم و محرمانه را شامل شوند. گاهی روزنامه نگاران شخصی را از اعضای دولت اجیر می کنند که اطلاعات کذب در اختیارشان می گذارد. آنها می توانند یکی از اعضای رسمی دولت باشند که اطلاعات محکمه پسند و محکمی در اختیار دارند ولی جزء منبع اصلی محسوب نمی گردند. آنها ممکن است یکی از اعضای رسمی دولت باشند که بدون اجازه رسمی قصد انتشار اطلاعات را دارند. تاکنون به خاطر مسؤولیت پذیر نبودن افراد خودی، حوادث و اتفاقات زیادی رخ داده است. گاه افشای اطلاعات تنها روشی است که

روزنامه نگاران به واسطه آن می توانند به اطلاعاتی دست یابند که از لحاظ حقوقی غیر قانونی شمرده می شود. در اینجا می توانیم به اطلاعاتی که یکی از اعضای کابینه نیکسون (رئیس جمهور آمریکا) ، در خصوص سوء استفاده وی از قدرتش در اختیار روزنامه نگاران قرار داده بود اشاره کنیم که نتیجه ای جز کناره گیری رئیس جمهور و زندانی شدن عده ای از مقامات نداشت. ناشناس ماندن نام منبع خبر ، به روزنامه نگاران این امکان را می دهد که به اطلاعات مهمی در خصوص فساد، سوءاستفاده از مقام و قدرت و رشوه خواری که تهدیدی علیه منافع ملت است دست یابند. در اینجا می توانیم به برخی از نمونه های این چینی اشاره کنیم:

(Banisar , 2011 , pp. 7-9)

۱- در آمریکا ، روزنامه نگاران آمریکایی اطلاعات محرمانه زیادی در خصوص بد رفتاری با زندانیان ابوقریب ، استماع سمع غیر قانونی ارتباطات بین المللی ، استراق سمع تلفن های میلیون ها شهروند آمریکایی توسط آژانس امنیت ملی ، نظارت غیر قانونی بر معامله های بانکی ، سوءاستفاده های جنسی از کودکان و استفاده از داروهای نیرو زا توسط برخی از ورزشکاران مطرح کشور ، منتشر کردند که افراد ناشناس در اختیار آنها گذاشته بودند .

۲- در روسیه، فرد ناشناسی با ایستگاه رادیویی محلی تماس گرفت و خبر غرق شدن یک مینی زیر دریایی (28A2) روسی را داد. مقامات این خبر را تکذیب کردند .گزارشات منتشر شده ، دولت را مجبور کرد تا درخواست کمک کند و در نتیجه نیروی دریایی بریتانیا جان ملوانان را نجات دادند.

(whistle blower broke secret of Russian sub and saved mens lives , 11 august 2005, wikileaks.org/w/images/c/c0/Silencingsources.pdf)

۳- در کانادا، فرد ناشناسی خبر رشوه خواری مالی حزب لیبرال ملی را به رسانه ها اعلام کرد که منجر به شکست این حزب در انتخابات شد .

۴- در بریتانیا، فرد ناشناسی با کمیسیون شکایت از پلیس تماس گرفت و خبر کشته شدن فرد بی گناهی را داد که اشتباهاً به دست پلیس ضد تروریسم کشته

شده بود. وی معتقد بود که دولت به خاطر به خطر افتادن موقعیتشان ، از تحقیق در خصوص این خبر، ممانعت می کند .

بند سوم - عواقب عدم حمایت از منابع خبر:

در صورت عدم وجود قانون حمایت از منابع ، روزنامه نگاران مجبور خواهند بود منابع اطلاعات شان را فاش سازند و در این صورت با قانونی سروکار خواهند داشت که به نوبه خود تأثیری بر روند دسترسی روزنامه نگاران به اطلاعات می گذارد که در نتیجه آن ، روزنامه نگاران نمی توانند به نحو احسن از منافع ملت دفاع کنند . بعضی از منابع به خاطر ترس، از صحبت با خبرنگاران امتناع می کنند. سایر منابع به روزنامه نگاران اعتماد می کنند و تصور نمی کنند که آنها اطلاعات داده شده را در اختیار دولت قرار خواهند داد . اکثر دادگاه های جهان اهمیت این قانون و تأثیری که بر روی جریان آزاد اطلاعات دارد را کاملاً درک کرده اند. دادگاه حقوق بشر اروپا در سال 1996 قانونی وضع کرد که بر اساس آن کسانی که اطلاعاتی دارند که افشای آنها به نفع عموم مردم است، نباید آن را کتمان کنند. منابع، زمانی که از چنین حمایتی برخوردار نباشند ممکن است حتی زمانی که پای منافع ملت در میان باشد هم با جرایم همکاری نکنند. در این صورت نقش جرایم در حمایت از منافع مردم، به شدت کمرنگ می شود و جرایم نمی توانند به اطلاعات موثق و قابل اطمینان دست یابند. کمیسیون تحقیقات معتقد بودند: «نبود قانون حمایت از منابع باعث مسکوت ماندن بسیاری از اعمال زشت و ناپسند می باشد؛ بدین صورت که اگر جرایم مجبور به افشای منابع شان گردند، دیگر نمی توانند به اطلاعات مهم دست یابند (منابع از دادن اطلاعات محرمانه به آنها، خودداری می کنند) ، اعمال زشت و ناپسند افشا نمی گردد، افراد حقه باز و خلافکار شناسایی نمی گردند و بی عدالتی افزایش می یابد» . (Banisar , upcit.)

در سال ۲۰۰۶، دادگاه عالی ژاپن اعلام کرد: «روزنامه نگاران باید از مطلع کردن منابع به مردم خودداری کنند. بر این اساس در صورتی که منابع اطلاعات گزارشگر اخبار به طرز نامعلومی افشاء گردد، اعتماد بین خبرنگار و منبعش سلب می شود و این خود باعث به خطر افتادن آینده کاری جراید می شود و به سختی می توان در این زمینه فعالیت کنند.»

الف - تغییر در روند عملکرد جراید:

یکی از مهم ترین پیامدهای نبود قانون حمایت از منابع روزنامه نگاران این است که روزنامه نگاران از رفتن به موقعیت هایی که ممکن است مجبور به افشای اطلاعات و یا منابع شان شوند، ابا کنند. یکی از اقدامات متداولی که این روزها روزنامه نگاران آمریکایی و سایر کشورهایی که قانون حمایت منابع ندارند انجام می دهند نابود سازی اطلاعات است. در ایرلند دو خبرنگار مجله ایریش تایمز، به خاطر نابود کردن اطلاعاتی که کمیسیون تحقیق از آنها در خواست کرده بود، محاکمه شدند. روزنامه نگاران گاهی برای جلوگیری از افشای منابع شان، اطلاعات را نابود می کنند. (Ibid)

سردبیر روزنامه هرالد، طی مذاکراتی که در خصوص ضعف های قانون حمایت از منابع برگزار شده بود، نظریه ای داده است که به صورت زیر ارائه می شود:

« روزنامه هرالد در خصوص مطالب چاپ نشده سیاستی اتخاذ کرده که بر اساس آن، اطلاعات پس از چند روز نابود می شوند. این امر مایه تأسف است که جراید برای حمایت از منابع شان مجبورند دست به این عمل بزنند، ای کاش می توانستیم این را انجام ندهیم. متأسفانه این امر امکان پذیر نیست. اطلاعات چاپ نشده ممکن است مرتبط با چند موضوع باشد، در این صورت ممکن است اطلاعات مذکور بعداً بکار آید ولی تا زمانی که مطمئن شویم دادگاه به طور محرمانه به مطالب چاپ نشده مان دست درازی نخواهد کرد، به نابودی آنها ادامه خواهیم داد. ما بخوبی می دانیم برای بار دوم جمع آوری اطلاعات کاری سخت و یا غیر ممکن است. ممکن نیست منابع همیشه موجود باشند؛ برای مثال، جزئیات گزارش تغییر می کند بنابراین گزارش به صورت اتفاقی صورت می گیرد.»

در بریتانیا روزنامه نگاران بسیار محتاطانه عمل می کنند. آنها زمانی که ماجرای را می نویسند کپی آن را نگه می دارند و به کسی راجع بدان حرفی نمی زنند و به خاطر ترس از اینکه سازمان بویی ببرد و از آنها بخواهد اطلاعات را برگرداند، آن را برای همکارانش نمی فرستند و بعد از نوشتن داستان برای اینکه اطلاعات فاش نشود آن را نابود می کنند و آنها اغلب تمایلی به انجام این کار ندارند.

ب - خطرهای جانی :

یکی از نتایجی که فقدان حمایت از منابع را به بار می آورد، به خطر افتادن جان روزنامه نگاران است. به عنوان مثال در مناطق خطرناک مثل منطقه جنگی و یا در شرایطی گزارش تهیه می کنند که در آنجا قتل و جنایت رخ داده است. در صورتی که روزنامه نگار در شرایطی قرار گیرد که به او به چشم جاسوس دولت و یا یک فرد مخبر نگاه کنند، در این صورت جان وی در خطر است. در سال 2006، روزنامه نگاران زیادی (56 نفر) در هنگام انجام وظیفه کشته و یا به خاطر تهیه گزارش ویا ارتباط شان با سازمان خبر، عمداً به قتل رسیده اند. بر اساس قانونی که دادگاه جنایی بین الملل ایالات متحده در سال 2004 وضع کرد، خبرنگارانی که در شرایط خطرناک فعالیت می کنند، امتیازات خاصی شامل حال آنها خواهد بود و از آنجایی که ممکن است آنها شاهد واقعه و یا ماجرای باشند که جانشان را به خاطر اندازند بنابراین به عنوان شاهد به دادگاه احضار نخواهند شد. (Ibid)

بند چهارم - حد و مرز حمایت از منابع خبر :

الف - موارد چالش برانگیز مرتبط با روزنامه نگاران برای افشای منبع خبر :

روزنامه نگاران گاه با شرایطی رو به رو می شوند که از آنها خواسته می شود اطلاعات و یا مطالب خاصی را بدست آورند؛ در مواردی این چنین، وی مجبور می شود اطلاعات را از یکی از اعضای همان اداره یا سازمان دریافت کند. مسئولان و یا طرف دعوی از روزنامه نگاران می خواهند منبع اطلاعاتشان را فاش کند و در غیر این

صورت به آنها اجازه انتشار اطلاعات داده نخواهد شد. با وجود این، مبحث حمایت از منابع روزنامه نگاران فقط مختص پرونده های محرمانه نمی شود و هویت فرد نیز مدنظر است و باید حفظ شود. نکته اصلی تمام پرونده های این چینی آن است که روزنامه نگار چگونه اطلاعات را بدست آورده است؟ مواردی که در زیر مشاهده می کنید، رایج ترین این گونه موارد است:

(European federation of journalists(efj) , Upcite.)

۱ - روزنامه نگار، اطلاعات محرمانه را به صورت غیر قانونی به دست آورده است: در این صورت مسئولین از وی می خواهند تا نام منبعی که اطلاعات را در اختیارشان گذاشته را فاش کند.

۲- روزنامه نگار، خود شخصاً شاهد نقض قانون باشد: روزنامه نگار اطلاعات را از منبعی بدست آورده باشد که به حقوق شخصی وی تجاوز شده؛ بنابراین زمانی که وی، اطلاعاتش را که سازمان و یا افراد خاصی را هدف گرفته منتشر کند، بر اساس قانون با وی برخورد می شود و از وی خواسته می شود تا منبع خود را فاش کند.

۳ - روزنامه نگاران، متهم به ارتکاب جرم باشند: اینکه روزنامه نگار و یا دفتر روزنامه متهم به دریافت غیر قانونی اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه شوند. در بعضی موارد دیده شده که روزنامه نگار متهم به دست داشتن در جنایت (به خاطر تقاضای اطلاعات) و یا رشوه خواری شده است .

۴ - به روزنامه نگاران تهمت و افترا زده شده است: گاه روزنامه نگار مطالبی ارائه می دهد که از وی خواسته می شود پیش از هر چیزی هویت منبعش را بگوید، در غیر این صورت اطلاعات وی را فاقد اعتبار می دانند و یا وی را متهم به سوء نیت می کنند. در این صورت روزنامه نگار در صدد است تا اطلاعات محکمه پسندی را ارائه دهد.

۵ - روزنامه نگار اطلاعاتی راجع به جنایتی دارد:

روزنامه نگار، اطلاعات را از طریق مصاحبه و یا تحقیق و تفحص به دست آورده است.

۶ - روزنامه نگار ، شاهد جنایتی است :

روزنامه نگار در ماجرای حضور داشته ، که جنایت در آنجا رخ داده است . پلیس از وی می خواهد تا ماجرا را پیش از اینکه آسیبی ببیند و یا بتواند به عنوان شاهد در دادگاه حضور یابد ، برایشان توضیح دهد و دلیل و مدرکش را ارائه دهد. بنابراین از وی خواسته شده که برای دفاع از خود و جهت کمک به پیگرد قانونی ماجرا ، مدارکش را ارائه دهد.

ب - نوع اطلاعات مورد حمایت قانون :

حمایت از منابع صرفاً محدود به حمایت از شخصی که اطلاعات را در اختیار روزنامه نگار قرار داده است، نمی شود. اکثر قوانین از اطلاعاتی که می تواند ماهیت منابع را افشا کند، حمایت می کنند. محتوای اطلاعات و اسناد دریافت شده و یا سایر اطلاعات شخصی از قبیل استراق تلفن، جزء این موارد محسوب می شوند.

روزنامه نگاران خواهان این هستند که در مورد تمام مطالب منتشر نشده از قبیل یادداشت ها، مقاله ها، نوارهای ضبط صوت و ویدئویی نیز تدابیری اندیشه شود . اکثر این مطالب جزئی از منابع محرمانه محسوب نمی شوند ولی با این وجود بر روند حصول اطلاعات، تأثیرات مهمی می تواند داشته باشد. از تمام منابع و مبداهای اطلاعات باید حمایت شود و قانون باید از آنها در برابر هر گونه اقدامات، نه تنها از هویت منابع محرمانه و ناشناس باید محافظت کند بلکه از هر گونه اطلاعاتی که می تواند هویت منبع را افشاء کند نیز باید حفاظت کند. (Ibid)

ج - ممانعت از انجام برخی تحقیقات :

از هر گونه تجسس و یا بازجویی هایی که منجر به شناسایی ماهیت منبع روزنامه نگار شود، باید جلوگیری شود. تجسس از منازل روزنامه نگاران و دفاتر خبری، استراق

سمع و ... جزء این قبیل تحقیقات ، محسوب می شود. از هر گونه تجسس که منجر به افشای منابع اطلاعات گردد باید جلوگیری شود . تحقیق در مورد اسناد و مدارک رپوده شده و یا مشارکت در نقض اسرار کاری جزء این قبیل تحقیقات ، محسوب می شود. هر گونه اطلاعاتی که به واسطه نقض قانون اسرار محرمانه بدست آمده باشد، باید باطل گردد.

تعدادی از کشورهای جهان تدابیری در این خصوص اندیشیده اند که بر اساس آن، تجسس از دفاتر روزنامه باید با رعایت قوانین خاصی صورت گیرد. بر اساس آن مسؤلان حق ندارند از قانون حمایت از منابع ، تخطی کنند و از منازل و دفاتر جراید تجسس کنند. از اطلاعات جمع آوری شده نمی توانند در سایر جریانات حقوقی، استفاده کنند. به طور نمونه قوانین کشور های سوئد ، بلژیک ، فرانسه ، بریتانیا ، ایرلند و استرالیا را می توان نام برد. طبق قانون کشور سوئد در خصوص آزادی منابع اطلاعات، تجسس و تحقیقات قاضی و یا بازپرس ، تا جایی که شرایط جراید ایجاب می کند امکان پذیر است.

در قانون کشور بلژیک، هر گونه اقدام تجسس و بازرسی ممنوع است مگر این که اقدامات آنها تأثیر مستقیمی در جلوگیری از بروز قتل و جنایت داشته باشد و شرایط افشای منابع مهیا باشد. ماده مذکور در مورد قوانین استرالیا نیز صدق می کند.

مطابق قانون کشور فرانسه، هر گونه تجسس از منازل، دفاتر، شرکت و یا کمپانی هایی که وظیفه اطلاع رسانی عمومی را بر عهده دارند، صرفاً با مجوز رسمی دادگاه بخش امکان پذیر است و باید حکم کتبی و رسمی رئیس دادگاه بخش را داشته باشند که بواسطه آن تحقیق از منازل روزنامه نگاران را توجیه کند؛ در غیر این صورت نقض قانون محسوب می گردد.

در قانون بریتانیا و ایرلند ، 2 ماده در این خصوص وضع شده است . در ماده اول گفته شده قبل از اینکه قاضی از روزنامه نگار بخواهد تا اطلاعاتش را افشا کند، یکی از کارمندان این کار را می کند. پلیس باید به دادگاه ثابت کند که اطلاعات ، ارزش این را داشته که خبر نگار به خاطرش دستگیر شود و سایر روش ها را امتحان کرده و به نفع عمومی باشد.

در ماده دوم آمده: «همان شخص از روزنامه نگار تحقیق می کند و سپس قاضی را در جریان روند پرونده قرار می دهد. تحقیقات باید توسط یکی از کارمندان با تجربه صورت گیرد و قاضی باید مطمئن شود که دستورات وی اطاعت شده و یا اینکه تقاضای وی برایش نفعی ندارد و به روند تحقیقات لطمه ای وارد نمی شود. با این اوصاف می توان گفت جلوگیری از بازجویی و یا هر نوع تجسسی که منجر به افشای منابع روزنامه نگاران می شود، جزء تدابیر حقوقی حمایت از منابع محسوب می گردد. (Ibid)

بند پنجم - ضرورت قانونگذاری در باب حمایت از منابع:

روزنامه نگاران زمانی که قانونی برای حمایت از منابع آنها وضع نشده باشد، مجبور خواهند بود منابع اطلاعاتی خود را فاش کنند و در غیر این صورت محاکمه قانونی خواهند شد. بنابراین این موضوع خود یکی از دلایل عمده ای است که بر اساس آن روزنامه نگاران بایستی از منابع محرمانه شان و متعاقب آن از حق ملت دفاع کنند. در اکثر مواقع نتیجه اجبار به افشای منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران، حصول اطلاعات خواهد بود. بعضی از منابع به خاطر ترس از افشای هویت شان، از حرف زدن امتناع می کنند. سایر منابع اعتماد خود را نسبت به روزنامه نگاران از دست می دهند و به آن ها به عنوان فردی می نگرند که برای نیروی نظامی دولت اطلاعات جمع می کند.

بند ششم - جایگاه حمایت از منابع در قوانین و رویه قضایی کشورها:

الف- بررسی قوانین کشورها در باب حمایت از منابع:

تاکنون صد کشور جهان، قوانینی برای حمایت از منابع روزنامه نگاران، وضع کرده اند و بیش از نود ماده و آیین نامه در خصوص حقوق جراید و قوانین مدنی و جنایی در قانون ملی کشورشان به تصویب رسانیده اند. سوئد، جزء آن دسته کشورهای است که به روزنامه نگاران قانوناً حق داده تا از منابع شان حمایت کنند و قانونی برای آزادی

بیان جراید وضع کرده است که به صورت جزئی از قانون اساسی کشور در آمده است. بر اساس این قانون، هر شخصی حق دارد منبع اطلاعاتی خود را کتمان کند و نقض این قانون پیگیرد قانونی به دنبال خواهد داشت. حمایت از منابع محرمانه تا جایی که امنیت ملی را به مخاطره نیندازد، امکان پذیر می باشد و مقامات اجازه بازجویی و تحقیق ندارند مگر این که اقدام آنها بر اساس قانون تعیین شده، جایز شمرده شود. حق آزادی بیان شامل حال سایر رسانه ها از قبیل رادیو، تلویزیون و ... نیز می شود.

بسیاری از اطلاعاتی که روزنامه نگاران به دست می آورند از افرادی است که علاقه ای به افشای نامشان در ارتباط با اطلاعات یاد شده ندارند؛ البته اگر به واسطه وعده روزنامه نگاران مبنی بر عدم افشای هویت این افراد نبود، بسیاری از آن ها اقدام به دادن اطلاعات نمی کردند؛ لذا محافظت از نام و هویت منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران، دارای نفعی عمومی است. این نیاز از سوی قانون اتحادیه ملی روزنامه نگاران در انگلستان، مورد شناسایی قرار گرفته و بر آن اساس، یک روزنامه نگار موظف است منابع اطلاعاتی محرمانه خود را مورد محافظت قرار دهد. قانون بر پنهان ماندن منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران، صحنه گذارده است و این فرض نیز وجود دارد که آشکار شدن نام منابع اطلاعاتی یاد شده، مخالف منافع عمومی است مگر در شرایطی خاص که کنار گذاردن منافع عمومی، لازم و ضروری باشد. (کری و ساندرز، ۱۳۸۶: ۲۶۲ و ۲۶۳)

البته چهار تمهید قانونی در انگلستان وجود دارد که بر اساس آن ها، یک روزنامه نگار می تواند وادار به افشای منابع اطلاعاتی خود گردد. این تمهیدات عبارتند از: (همان)

۱- قانون اهانت به دادگاه، مصوب (۱۹۸۱)

۲- قانون ادله کیفری و پلیس، مصوب (۱۹۸۴)

۳- قانون پیشگیری از تروریسم، مصوب (۱۹۸۹)

۴- قانون اسرار رسمی، مصوب (۱۹۸۹)

گفتنی است که موارد مطرح شده در قانون حفاظت از داده ها مصوب (۱۹۹۸)، به منظور افشای منابع اطلاعاتی از جمله اطلاعات فردی، معمولاً شامل روزنامه نگاران نمی شود.

براساس ماده 16 قانون اساسی فیرام^۱ جماهیر شوروی سابق: «حق حمایت از منابع اطلاعات کلیه رسانه ها، تضمین شده است».

براساس ماده 38 قانون اساسی پرتقال: «روزنامه نگاران طبق قانون حق دارند از منابع اطلاعات محرمانه، آزادی و اسرار کاری خود حمایت کنند».

براساس ماده 20 قانون اسپانیا: «روزنامه نگاران حق دارند از اسرار حرفه ای خود حفاظت کنند ولی در اینجا قانونی برای حمایت از منابع محرمانه جرایم، وضع نشده است». برخی کشورها حمایت از منابع محرمانه را جزئی از آزادی بیان ملت شان قلمداد می کنند.

بلژیک، جزء آن دسته از کشورهایی است که جامع ترین قانون ملی حمایت از منابع را دارد. این کشور از روزنامه نگاران و همکاران آنها که مجبور به افشای ماهیت و یا هر گونه مدرک و یا اطلاعاتی هستند که منجر به افشای منابع، اطلاعات نویسنده متن، مدارک و یا محتوای اطلاعات می شود به شدت حمایت می کند. روزنامه نگاران به خاطر امتناع از افشای منابع و اسرار حرفه ای شان مجازات نمی شوند و هیچ یک از ناظران و مقامات دولتی حق ندارند این قانون را نقض کنند. روزنامه نگاران فقط زمانی نمی توانند از منابع شان حمایت کنند که جان فردی در خطر باشد و اطلاعات آنها می تواند جان وی را نجات دهد. در این صورت صرفاً به دستور قاضی پرونده ممکن است و به طریق دیگر نمی شود به این گونه اطلاعات دسترسی پیدا کرد.

(European federation of journalists (efj), Upcite.)

مجلس فرانسه، در 4 ژانویه سال 2010، قانونی تصویب کرد که بر اساس آن «هر گونه تجاوز و تخطی مستقیم و غیر مستقیم به منابع محرمانه ممنوع است مگر این که پای منافع عموم در میان باشد و عمل بدان برای کل جامعه، کاملاً حیاتی و ضروری باشد. در این صورت قانون نقض می گردد». در ادامه قانون آمده است: «در غیر این صورت، مقامات حق ندارند روزنامه نگاران را مجبور به افشای منابع شان کنند و از طرفی دیگر، تجسس از منازل و دفاتر روزنامه نگاران تحت شرایط خاصی امکان پذیر

¹ Fyrom .

است، ولی با این وجود روزنامه نگاران حق دارند سکوت کنند و منابع شان را حفظ کنند.»

در کشور ارمنستان، زمانی روزنامه نگار را مجبور به افشای منابع شان می کنند که اطلاعات آنها با پرونده جنایی ربط داشته باشد و منابع شان می تواند پرده از این جنایت مخوف بردارد و یا زمانی که پای منافع عموم در میان است و به روش دیگری نمی توان از حقوق آنها دفاع کرد .

لوکزامبورگ، در سال 2004 قانونی در خصوص آزادی بیان رسانه ها تصویب کرد. بر اساس این قانون، زمانی که اطلاعات روزنامه نگاران بتواند مانع از بروز جنایت، قاچاق دارو، اختلاس مالی، عملیات تروریستی و یا امنیت دولت شود، در این صورت می توان روزنامه نگاران را مجبور به افشای منابع شان کرد.

براساس قانون جراید قبرس ، روزنامه نگاران حق دارند منابع اطلاعات شان را محرمانه نگاه دارند و از دادن شهادت امتناع کنند ولی در این قانون استثنائاتی هم وجود دارد . بر اساس این قانون هر گاه روزنامه نگاران اطلاعاتی را منتشر کنند که مربوط به جنایت کیفری باشد در این صورت دادگاه وی را مجبور به افشای منبعش خواهد کرد و دادگاه در صورتی بدین عمل دست خواهد زد که هر سه شرط ذیل محقق باشد:

(Ibib)

۱- اطلاعات مستقیماً مربوط به جنایت کیفری باشد .

۲- به طرق دیگر نتواند این اطلاعات را در اختیار گیرند .

۳- پای منافع ملی در میان باشد.

در ایتالیا، بر اساس قانون جراید 1963 ، روزنامه نگاران و ناشران باید در قبال اسرار کاری شان که مربوط به منافع اطلاعات شان می شود، احساس تعهد کنند . با این وجود، بر اساس قانون جنایی، هر گاه روزنامه نگاران اطلاعاتی در اختیار داشته باشند که بتواند به حل پرونده کمک کند و نیز زمانی که تعیین صحت و سقم اطلاعات پرونده بستگی به تأیید منبع

اطلاعاتی دارد، در این صورت قاضی پرونده می تواند از روزنامه نگار بخواهد تا هویت منبع اطلاعاتش را فاش کند.^۱

براساس قانون فنلاند، تجاوز به حقوقی که برای روزنامه نگاران در نظر گرفته شده ۶ سال و یا حتی بیشتر، زندانی خواهد داشت. (Ibib)

ب - بررسی رویه قضایی دادگاه ها در باب حمایت از منابع :

در اینجا به چند نمونه از پرونده های مهم در این زمینه اشاره می کنیم :

۱- دادگاههای اروپایی در سال 1996 ، دادرسان بیتانیایی را محکوم به تجاوز حقوق « بیل گودوین »^۲ خبرنگار کارآموز مجله کردند. وی زمانی که از افشای نام منبع اطلاعاتی که موقعیت شغلی کمپانی مدعی را به خطر انداخته بود اجتناب کرد و به شدت مورد توهین و تحقیر دادرسان پرونده قرار گرفت. به دادگاه ثابت شد حتی اگر انتشار اطلاعات محرمانه موجب نقصان منافع مالی و به خطر انداختن موقعیت شغلی شرکتی گردد، دولت بایستی توجه به منافع ملی را در اولویت کار خود قرار دهد و بین آزادی بیان و حقوق سایرین حد و مرزی قائل گردد. پرونده مذکور شدیداً مورد حمایت قرار گرفت، تا آن جایی که اتحادیه ملی روزنامه نگاران در ایرلند و گروه اروپایی « آی. اف. جی »^۳ ثابت کردند که بر اساس قانون حمایت از آزادی بیان ، این حق قانونی و مشروع هر روزنامه نگاری است که منبع محرمانه اطلاعاتش را فاش نکند.

(Case Goodwin v. United Kingdom , 1996 , 22 EHRR 123)

۲ - پرونده فاینانشال تایمز ال. تی. دی.^۴ و سایر اشخاص درگیر پرونده در انگلستان و ایرلند :

^۱ - به نظر می رسد قانون جدید امنیتی ایتالیا همانند سایر کشورهای جهان، تهدیدی علیه قانون حمایت از منابع جرایم باشد .

^۲ Goodwin .

^۳ I.F.G .

^۴ Financial Times Ltd .

این پرونده به دنبال شکایت ۴ خبرنگار ایرلندی و آژانس خبری تشکیل شد. آنها مدعی بودند ایتربریو (کمپانی آبجو سازی بلژیکی) آنها را مجبور کرده تا یکسری از اسناد و مدارک مهم شان را در اختیارشان بگذارند که خود سبب افشای هویت منابع اطلاعات محرمانه شان گردیده است. هئیت قضایی معتقد است گرچه همکاری روزنامه نگاران در شناسایی منابع نامعلوم، نتایج چندان قابل ملاحظه ای به دنبال نداشته است ولی با این وجود، خود سبب گردیده که بین حمایت از منابع روزنامه نگاران و منافع عمومی، یک تعادل فی ما بینی به وجود آید.

(Case Financial Times Ltd & Ors v United Kingdom , 2009 , application No.821/03)

۳- پرونده «ووسکوئیل علیه هلند»^۱ :

«ووسکوئیل»، روزنامه نگار آمستردامی، مقاله ای در ارتباط با جریانی که پلیس در آن موفق به کشف یک انبار ملزومات و ادوات جنگی در منزل شخصی و نیز دستگیری سه نفر در حال خرید و فروش اسلحه شده بود را نوشت. مقاله ووسکوئیل، افسر ناشناسی را روایت می کند که به سایر پلیس ها دستور داده تا برای تحقیق و پیدا کردن سرخ های بیشتر به منزل شخصی فرد مورد نظر هجوم آورند. مقاله مذکور در اذهان مردم سؤالات عدیده ای را در مورد کنش های پلیس، به وجود آورد.

ووسکوئیل برای ارئه مدارک به دادگاه اظهار شد و از وی خواسته شد تا هویت افسر پلیس مذکور را فاش کند. ووسکوئیل از افشای منبع خبر خویش امتناع کرد؛ گرچه ووسکوئیل بر اساس قانون مدنی این حق را داشت که از افشای منبع خود ممانعت کند اما از آنجا که منافع جامعه در خطر بود دادگاه وی را مجبور به افشای منبع کرد و از او خواسته شد تا به تمامی سؤالات پاسخ دهد اما وی امتناع کرد. بنابراین او به 17 روز زندان محکوم شد.

(Case Voskuil v. Netherlands ,2007 , application no.64752/01)

¹ Voskuil v. Netherlands .

ووسکیویل به دادگاه حقوق بشر اروپا شکایت کرد. وی ادعا کرد یکی از حقوق آزادی بیان، حق فاش نکردن و حفظ منبع اطلاعاتش است و حبس وی به معنای نقض این حق است. دادگاه طبق بخش ۱۰ قانون اساسی اروپا بر اساس آزادی بیان حقی نیز برای حفظ منابع اطلاعاتی (خبری) روزنامه نگاران در نظر گرفته است که طبق آن به روزنامه نگار حق می دهد که از افشای منبع اطلاعات محرمانه خویش امتناع کند ولی گاهی در جامعه دموکراتیک، یعنی زمانی که پای امنیت ملی و منافع جامعه در میان است، قانون ممکن است آنها را به خاطر جلوگیری از هرج و مرج، جرم و جنایت، حفظ جان، قوانین و آزادی مردم، از چنین حقی محروم کند.

۴ - پرونده نوردیسک فیلم و تی وی ای/اس.^۱ علیه دانمارک:

این پرونده جهت افشای مدارکی که روزنامه نگاران در خصوص جریانات سوء استفاده های جنسی از کودکان دانمارکی بدست آورده اند، به جریان افتاد. پلیس از آنها خواست تا مدارک و اطلاعاتی که در این خصوص کسب کرده اند را ارائه دهند. هیئت قضایی معتقد بود در این پرونده مسئله نقض آزادی بیان روزنامه نگاران با توجه به موارد کثیر سوء استفاده های جنسی کودکان و به منظور جلوگیری از فساد در جامعه، مسئله ای کاملاً توجیه پذیر است.

(Case Nordisk Film & TV A/S v. Denmark , European Court of Human Rights)

۵ - پرونده مارتین تیلاک علیه بلژیک:

تیلاک در سال ۲۰۰۴ به خاطر تجسس هایی که پلیس از منزل و محل کار وی می کند، ابراز ناراحتی کرد. وی مدعی شد که پلیس بعد از چاپ مقاله ای که در ارتباط با فساد و هرج و مرج در اداره های اروپا نوشته است، منزل و محل کارش را تجسس کرده است. این در حالی است که مقاله اش رسماً براساس مدارک محرمانه ای که دفتر مبارزه با جرایم اروپا در اختیارش گذاشته، تنظیم شده بود. دادگاه عالی بلژیک، طی حکمی که در اول دسامبر سال ۲۰۰۴، در خصوص تحقیقاتی که پلیس در ارتباط با مسئله رشوه خواری یکی از کارمندان دولت، دستور تجسس منزل تیلاک را صادر کرد،

¹ Nordisk Film & TV A/S.

اقدامات مذکور را نه عملی غیر قانونی و نه تخطی از ماده ۵ قانون اساسی اروپا در نظر گرفت. با این وجود، مسؤولان بلژیکی دادگاه حقوق بشر اروپا در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷، اقدامات آنها را تخطی از ماده ۱۰ قانون اساسی قلمداد کردند.

(Voorhoof, 2008, www.psw.ugent.be/dv)

۶- پرونده روئمن و اسچمیت علیه لوکزامبورگ:

این پرونده به تجسس هایی که پلیس لوکزامبورگ، در پی چاپ مقاله اختلاس مالی وزیر دولت، از منزل روزنامه نگاران انجام داده است مربوط می باشد. بازرسان برای این اقدام خود مجوز داشتند. هیئت قضایی معتقد بود که برای اثبات این اتهام، پلیس مداراک کافی در اختیار ندارد.

(Case Roemen and Schmit v. Luxembourg, 2003, Court European Court of Human Rights)

۷- پرونده سانوما یویتگورس بی وی^۱ علیه هلند:

این پرونده مربوط به چاپ تصاویر مسابقات غیر قانونی اتومبیل رالی می شود که کمپانی انتشار دهنده مجله هلندی در مقاله خویش، استفاده کرده است. بنابراین آن ها برای تحقیقات بیشتر تحویل پلیس منطقه داده شدند. علیرغم اعترافات بی نظیر روزنامه نگاران، پلیس متهمین را مجبور به افشای هویت منابع محرمانه شان کرد. هیئت قضایی بر این اساس که در هیچ کجای قانون، چیزی به عنوان نقض آزادی بیان کمپانی، درج نگردیده است رأی خود را صادر کرد. در این رأی نیز ماده ۱۰ قانون اساسی اروپا برای حمایت از منابع خبری، نقض شده است.

(Case sanoma uitgevers b. v. v. the Netherlands, 2010, Application no. 38224/03, Court European Court of Human Rights)

۸- پرونده ارنست علیه بلژیک:

این پرونده به تجسس هایی که پلیس بلژیک از منازل و دفاتر ۴ روزنامه نگار مرتبط با اعضای سرویس قانونی کشور که متهم به افشای مطالب محرمانه پرونده های جنایی حساس شده اند، مربوط می باشد. هیئت قضایی معتقد بودند: « برای ادامه تحقیقات

¹ Sanoma uitgevers b. v.

بیشتر ، پلیس مدارک کافی در اختیار ندارد . مقامات دولت در عوض تجسس از منازل و دفاتر روزنامه نگاران ، بایستی به دنبال راهی برای اثبات ادعاهای خویش باشند . بدیهی است که بازجویی و تفحص پلیس هیچ گونه تاثیری در رخ دادن جرم و جنایت و بی نظمی های این چنین ، ندارد . « مشاهده می شود که در تمام موارد بالا ماده ۱۰ نقض شده است .

(Case of Ernstand others v. Belgium , 2003 , Application no. 33400/96)

دادگاه عالی آلمان در سال 1966 بیانیه ای صادر کرد که متن آن به قرار ذیل می باشد :

«حمایت از روابط محرمانه بین مطبوعات و منابع شان را می توان آزادی بیان نامید. جراید انتظار دارند که مقامات از منابع اطلاعات شان حمایت کنند و به پشتوانه این که از اسرار کاری آنها حمایت می شود، به دنبال کسب اطلاعات بروند؛ بنابراین وجود چنین حمایتی مطلقاً ضروری است . در 5 آگوست سال 2007، دادگاه حکم بازرسی از دفاتر روزنامه را صادر کرد . هدف از این بازرسی کشف پرونده های محرمانه دولت بود که بر اساس قانون اساسی کشور آلمان، به حقوق آزادی بیان جراید تجاوز شده است.»

بند هفتم - جایگاه حمایت از منابع در مصوبات مجامع بین المللی و منطقه ای :

حفاظت از منابع روزنامه نگاران یک جنبه مهم از آزادی بیان است که توسط همه ملت ها حمایت شده است . در اروپا ، دادگاه اروپایی حقوق بشر دستورالعمل هایی دقیق و به طور خاص در مورد حفاظت از منابع در شورای اروپا صادر کرده است . طبق اسناد بین المللی ، حفاظت از منابع اجتناب ناپذیر است و عنصر اساسی و شرط اساسی برای آزادی مطبوعات به شمار می رود که بدون آن رسانه ها قادر نخواهند بود به طور مؤثر به جمع آوری اطلاعات و ارائه عمومی بپردازند . همه اسناد با این فرض

شروع می شود که هویت و اطلاعات جز در شرایط استثنایی فاش نمی شود . نیاز به اطلاعات در مورد منبع باید اساسی باشد و تنها در موارد حیاتی باید فاش شوند .

الف - در سازمان ملل متحد :

سازمان ملل متحد ، محرمانه بودن منابع برای روزنامه نگاران حرفه ای را به رسمیت شناخته است . در سال ۱۹۵۲، در پیش نویس اخلاق بر آزادی اطلاعات و مطبوعات اعلام کرد اختیارات مربوط به منابع اطلاعات و محرمانه بودن حرفه ای باید در مسائل نشان داده شود و ممکن است این امتیاز همیشه به محدودیت دورترین قانون قابل استناد باشد.

ماده ۱۹ از اعلامیه جهانی حقوق بشر ، حق آزادی بیان را به رسمیت شناخته است . کمیسیون حقوق بشر و گزارشگر ویژه در آزادی عقیده و بیان ، از دیرباز بر اهمیت حفاظت از منابع به عنوان جنبه ای از ماده ۱۹ در اعلامیه ها و یافته ها به رسمیت شناخته است . گزارشگر ویژه خاطر نشان کرده است که حفاظت از منابع ، اهمیت اولیه و ابتدایی برای روزنامه نگاران دارد تا قادر باشند اطلاعات را بدست آورند .

ب - در شورای اروپا :

حفاظت از منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران یکی از شروط اساسی برای کار روزنامه نگاری و همچنین حق عموم در اطلاع پیدا کردن از مسائلی است که مرتبط با آن می باشند . در بسیاری از موارد ، مقامات دولتی ، روزنامه نگاران را علیرغم استانداردهای روشنی که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته وزیران شورای اروپا موجود می باشد ، مجبور به افشای منابع خود می کنند . افشای اطلاعات مربوط به یک منبع مع الوصف باید به شرایط استثنایی محدود شود ، آن هم در جایی که منافع حیاتی فرد یا عموم در خطر است و می تواند به صورت متقاعد کننده ای به دست آورده شود .

(Council of Europe : the protection of journalists sources , 2009 , doc.11881 , www.assembly.coe.int)

مجمع پارلمانی اروپا بیان می دارد که کار آزاد روزنامه نگاری در داشتن حق مندرج آزادی بیان و اطلاعات است که در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین شده است. این حق به منزله پایه و اساس یک جامعه دموکراتیک و شرط ضروری برای پیشرفت و توسعه هر فردی است. رسانه های آزاد، مستقل و کثرت گرا، پیش شرط هر جامعه دموکراتیک واقعی است. دموکراسی خوب نیازمند به پاسخگویی و شفافیت می باشد. در این راستا، رسانه ها نقش اساسی برای نظارت عمومی بر بخش های دولتی و خصوصی در جامعه را ایفا می کنند. همچنین مجمع بیان می دارد که مقامات دولتی نباید تقاضای افشای شناسایی منبع اطلاعاتی را داشته باشند مگر آن که طبق شرایط ماده ۱۰ منفعت مشروعی به طور وضوح، افشای آن مهمتر و برجسته تر از عدم افشای آن به عنوان منافع عموم باشد و یک شرط مهم و برجسته تری از نیاز به افشای آن هم به اثبات برسد. بنابراین افشای اطلاعات و شناسایی منبع باید به شرایطی استثنایی که در آن منافع حیاتی عمومی یا فردی در معرض خطر هستند و می تواند به طور متقاعد کننده تأسیس شود محدود شود. مقامات ذیصلاح خواهان افشای استثنایی یک منبع، باید دلایلی را که منفعت مهم حیاتی افشاء نسبت به عدم افشاء دارد، و اینکه راه های جایگزین به اتمام رسیده است مشخص کنند؛ مانند یک دلیل جایگزین. (Ibid)

حق خبرنگاران به عدم افشای منابع خود که در نزد پلیس و یا مقامات قضایی هست هم اعمال می شود. در حالتی که ارائه اطلاعات به روزنامه نگاران غیر قانونی می باشد مقامات پلیس و مقامات قضایی باید تحقیقات داخلی خود را به جای درخواست از روزنامه نگاران به افشای منابع شان دنبال کنند. از آنجا که ماده ۱۰ کنوانسیون، از حق مردم در مورد مسائلی که مرتبط به عموم می باشد حمایت می کند، هر کسی که دارای دانش یا اطلاعات در مورد حقایق مرتبط عمومی می باشد، به طور محرمانه باید قادر به آن باشد که آن را برای رسانه ثالثی پست کند (که شامل شبکه اینترنت هم می شود) یا آن را به طور محرمانه به خبرنگاران و روزنامه نگاران ارائه کند. (Ibid)

ج - در دیوان آمریکایی حقوق بشر :

ماده ۱۳ در کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، حق آزادی بیان را ذکر کرده است. کمیسیون داخلی حقوق بشر آمریکایی ایجاد شده تحت کنوانسیون برای ارتقای حقوق

بشر، به صورت ثابت به این نتیجه رسیده است که حمایت از منابع شامل آزادی بیان می شود. در سال ۲۰۰۰ کمیسیون در اعلامیه اصول آزادی بیان اعلام کرد: « هر فرد اجتماعی باید حق ننگه داری منبع اطلاعاتی، یادداشت های شخصی و آرشیو های حرفه ای داشته باشد. » کمیسیون توصیف کرد حفاظت از منابع خبری یک جنبه مهمی از آزادی بیان است.

(Banisar , Upcite.)

د - در اتحادیه آفریقایی :

ماده ۹ حقوق بشر آفریقایی به هر شخصی حق دریافت اطلاعات و بیان و اظهار نظرات می دهد. در سال ۲۰۰۲ اعلامیه اصول در مورد آزادی بیان در آفریقا که به وسیله کمیسیون آفریقایی حقوق بشر انتشار یافته است روش هایی در زمینه حفظ منابع ارئه می دهد: « درحفاظت منابع و دیگر مسائل خبرنگاری، از افراد درگیر با رسانه نباید خواسته شود برای افشای منابع اطلاعاتی یا افشای دیگر مسائل ننگه داری شده برای اهداف خبرنگاری اقدام کنند جز در اصول ذیل: (Ibid)

- ۱- هویت منبع برای جستجو یا اجرای جرایم خاص یا دفاع از یک شخص متهم در جرم جنایی ضروری است.
- ۲- اطلاعات مشابه که به نتایج مشابه منجر می شود نباید از جای دیگر گرفته شود.
- ۳- اخلاق حسنه نشان دهنده کاهش صدمات به آزادی بیان است.
- ۴- افشا به وسیله دادگاه مورد حکم قرار گیرد.

بند هشتم - حمایت از منابع روزنامه نگاران در جریان دادرسی :

یکی از مسائل مهم در جریان آیین دادرسی جرایم مطبوعاتی این است که آیا دادگاه حق دارد روزنامه نگاران و سایر دست اندرکاران مطبوعات و از جمله مدیر مسؤول را مجبور به افشای منبع اطلاعاتی و خبری خود کند؟ اگرچه اجبار ارباب جرایم به معرفی منبع اطلاعات در صورت ارتکاب جرم مطبوعاتی، دارای این نفع اجتماعی است که ممکن است منجر به کشف جرایم دیگر شود، ولی در مقابل این امر مخل حقوق

روزنامه نگاران و آزادی مطبوعات است. حمایت از منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران مانع خود سانسوری در مطبوعات شده، مشارکت مردمی را در امر اطلاع رسانی بدون ترس از عواقب قانونی فراهم می سازد. تشویق مردم به افشای مطالب متضمن نفع اجتماعی در مطبوعات حتی اگر نحوه کسب اطلاعات غیر قانونی باشد، بیشتر از شناسایی و محکوم ساختن یک خلافکار (منبع خبر) به سود اجتماع تمام می شود؛ به طور مثال اگر کارمند دولت از یک قرارداد مضر به امنیت کشور که دارای طبقه بندی محرمانه است، مطلع شود و آن را در اختیار نشریه قرار دهد و مدیر مسئول نشریه نیز آن را منتشر کند، محاکمه مدیر مسئول به جرم افشای سند محرمانه بلاشکال است، ولی اجبار وی به معرفی منبع اطلاعاتی متضمن ضرر اجتماعی و مانع کارکرد مطبوعات آزاد است. ارباب جرایم به دلیل تعهد خاص صنفی و رازداری که لازمه این حرفه است، معمولاً از افشای منابع اطلاعاتی خود پرهیز می کنند؛ بنابراین جرم انگاری در این قلمرو و محکومیت روزنامه نگاران به جهت عدم افشای منبع اطلاعاتی خود، نمی تواند مؤثر باشد و دارای عوارض منفی در کار روزنامه نگاری است. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، بی جا)

الف - حمایت از منبع در جریان دادرسی در ایران :

در قانون مطبوعات ایران، ماده ای مبنی بر الزام روزنامه نگاران و سایر دست اندرکاران جرایم به ارائه منبع اطلاعاتی و خبری وجود ندارد. مطابق ماده ۵ این قانون نیز کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ منافع جامعه باشد، حق قانونی مطبوعات است. به علاوه در حقوق ایران ادای شهادت الزامی نیست و از این طریق نیز نمی توان دست اندرکاران مطبوعات را به افشای منبع اطلاعاتی مجبور کرد. بنابراین دست اندرکاران مطبوعات در صورت عدم تمایل حق دارند، منبع اطلاعاتی و خبری را افشا نکنند و دادگاه ها نیز با توجه به فقدان نص قانونی در این زمینه، نمی توانند مدیر مسئول یا سایر دست اندرکاران مطبوعات را به معرفی منبع اطلاعاتی یا ارائه اطلاعات در این خصوص وادار کنند. همچنین با توجه به فقدان نص قانونی در خصوص الزام روزنامه نگاران به افشای منبع اطلاعاتی خود، اگر آنان به مناسبت حرفه خود، اطلاعات و اخباری را از شخصی دریافت کنند و ملزم به رازداری

در این زمینه شوند ، در صورت افشای منبع اطلاعاتی ، ممکن است مشمول عنوان مجرمانه ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی (جرم افشای اسرار) قرار گیرند . بنابراین در حقوق ایران عدم افشای منبع اطلاعاتی نه تنها حق مطبوعات بلکه با تحقق شرایط ، تکلیف قانونی آنان نیز می باشد. (همان)

ب - حمایت از منبع در جریان دادرسی در انگلستان :

در حقوق انگلستان ، گرچه حمایت از منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران به عنوان یک اصل پذیرفته شده است ، اما این اصل مطلق نیست و دارای استثنائاتی است . مطابق ماده ۱۰ قانون اخلال در روند دادرسی ۱۹۸۱ که مهم ترین متن قانونی موجود در این زمینه است ، دادگاه نمی تواند نویسنده یا روزنامه نگار را مجبور به افشای منبع اطلاعاتی منتشر شده خود کند ، مگر اینکه اثبات شود افشای آن منبع اطلاعاتی در جهت منافع عدالت یا امنیت ملی یا برای پیشگیری از اخلال در نظم یا ارتکاب جرم ، ضروری و از دیدگاه مقام قضایی قابل توجیه باشد . بنابراین بر خلاف حقوق ایران ، در حقوق انگلستان ، دادگاه ها می توانند در موارد خاصی روزنامه نگاران را به افشای منبع اطلاعاتی خود مجبور کنند و در صورت عدم تمکین از دستور دادگاه ، روزنامه نگار به علت ارتکاب جرم اخلال در روند دادرسی به مجازات حبس یا جزای نقدی محکوم می شود . مهم ترین تصمیم قضایی در این زمینه مربوط به پرونده مطبوعاتی « ویلیام گودوین » کارآموز روزنامه نگاریست که پیش از این توضیح داده شده است .

علاوه بر ماده ۱۰ قانون اخلال در روند دادرسی ۱۹۸۱، سه قانون دیگر مرتبط با افشای منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران وجود دارد . در ماده ۸ قانون پلیس و دلایل کیفری ۱۹۸۴ در شرایط خاصی ، به پلیس حق داده شده تا با حکم دادگاه ، اسناد و منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران را توقیف کنند . همچنین در جدول شماره ۷ قانون منع تروریسم ۱۹۸۹ به پلیس حق کسب اطلاعات مرتبط با فعالیت های تروریستی داده شده است . پلیس با دستور مقام قضایی در شرایط خاصی حتی بدون ابلاغ دستور مقام قضایی به روزنامه نگاران ، می تواند اطلاعات مرتبط با تروریسم را توقیف کند . به علاوه به موجب ماده ۸ قانون اسرار رسمی ۱۹۸۹، در صورت تقاضای دولت ، عدم

استرداد اسناد محرمانه ای که توسط کارمند دولت افشا شده و یا به امانت نزد روزنامه نگار (یا دیگری) سپرده شده است، جرم محسوب می شود. بنابراین در کشور انگلستان با دستور دادگاه به شرط آنکه اطلاعات فوق الذکر از منبع دیگری قابل حصول نباشد، دفتر نشریات قابل بازرسی است. (همان)

بند نهم - اقدامات و وظایف کشورها در اجرای حق حفظ اسرار حرفه ای روزنامه نگاران :

ضرورت حفظ اسرار حرفه ای روزنامه نگاران، از جمله مسائلی است که ظاهراً با وظایف اجتماعی آنان، تعارض پیدا می کند؛ زیرا اساس فعالیت این حرفه اعلام و انتشار خبرها و گزارش رویدادهای مهم زندگی جمعی و عقاید عمومی که مورد شناخت و بررسی آنان قرار می گیرند، استوار است و به همین جهت، مفهوم « اسرار حرفه ای » عنوان می شود که توانایی تصمیم گیری آزادانه آنان راجع به انتشار مطالب مورد تدارک آنها و چگونگی و زمان این انتشار را شامل می گردد. به بیان دیگر، روزنامه نگاران خواستار آن هستند که برای آنان حق حفظ اسرار مربوط به بررسی رویدادهای اجتماعی، به رسمیت شناخته شود و مجبور نباشند برخلاف میل خویش، شرایط کسب اخبار و گزارش های مختلف خود را افشا کنند. روزنامه نگاران مخصوصاً انتظار دارند که برای افشای منبع یا منابع خبری خویش و معرفی نام فرد یا افرادی که خبر رویدادی را در اختیار آنها گذاشته اند، تحت فشار قرار نگیرند و برای شهادت دادن در برابر دادگاه یا تسلیم برخی اسناد و مدارک خبری موجود در نزد آنها به مقامات پلیس، الزام و اجبار نداشته باشند. آنان همچنین انتظار دارند که از هر گونه اقدام در مورد بازرسی و توقیف احتمالی یادداشت ها و عکس های خبری متعلق به آنها در محل سکونت یا در داخل هیئت های تحریریه مطبوعات و محل کار خود نیز مصون بمانند. بنابراین می توان گفت که طبیعت اسرار حرفه ای مورد نظر روزنامه نگاران، با آنچه در حرفه های دیگر طرف توجه است، بسیار تفاوت دارد. (معتد نژاد، ۱۳۸۷، صص ۲۷۶ - ۲۸۹)

الف - شناسایی قانونی حق حفظ اسرار حرفه ای روزنامه نگاری در فرانسه :

نظام حقوقی فرانسه ، بدون آنکه در این کشور برای شناسایی قانونی حق حفظ اسرار حرفه ای روزنامه نگاران ، به طور صریح قانون ویژه ای وضع شده باشد ، با تصویب قانون مورخ ۴ ژانویه ۱۹۹۳ و با تکیه بر تضمین های آزادی اطلاعات ، روزنامه نگاران و منابع خبری آنان را در برابر برخی از شیوه های بازرسی محلی و همچنین در مقابل بعضی از تکالیف شهادت قضایی ، مورد حمایت قرار داده است . (همان)

الف - ۱ - مراقبت قضایی در بازرسی محل کار روزنامه نگاران :

ماده ۲-۵۶ جدید قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه ، که بر مبنای ماده ۵۵ قانون مصوب ۴ ژانویه ۱۹۹۳ پدید آمده ، چنین مقرر داشته است : « بازرسی محل های مؤسسات مطبوعاتی یا مؤسسات ارتباطات سمعی و بصری (راديو و تلویزیون) ، باید بعد از این فقط با حضور یک قاضی ، با مراقبت وی و به گونه ای انجام شوند که به فعالیت آزاد حرفه روزنامه نگار لطمه ای وارد نسازد ، موانعی برای انتشار اطلاعات ایجاد نکنند و در مورد آن ، تأخیر غیر موجهی پدید نیاورند » . (همان)

برخی از حقوقدانان فرانسوی ، با توجه به متن ماده فوق معتقدند که تأثیر واقعی چنین مقرراتی در شرایط کنونی ، برای رفع نگرانی روزنامه نگاران ، اطمینان بخش به نظر نمی رسد و نقش مثبت آنها در این زمینه ، به چگونگی تحلیل و تفسیر یا طرز اجرای مقررات مذکور در مورد عدم لطمه به انجام حرفه روزنامه گاری و عدم ایجاد و یا تأخیر غیرموجه در انتشار اطلاعات بستگی پیدا می کند. به عقیده آنان ، مؤسسات مطبوعاتی، خبری یا ارتباطی مشمول بهره مندی از این تضمین نیز به طور روشن و دقیق ، مشخص نشده اند؛ زیرا متن ماده مذکور، تنها به «مؤسسات مطبوعاتی یا مؤسسات سمعی و بصری (راديو و تلویزیون)» اشاره کرده است. به این ترتیب معلوم نیست که آیا باید این مؤسسات را با توجه به معنای صریح آنها ، مورد توجه قرار داد و به سبب عدم تعریف دقیق هر کدام از آنها در متن ماده فوق ، چنین نتیجه گرفت که فقط مؤسسات ناشر نشریات دوره ای و شرکت های تولید برنامه های رادیویی و تلویزیونی ، مشمول

ماده یاد شده، هستند و به عنوان مثال، مؤسسات خبرگزاری، نمی توانند از آن استفاده کنند؟ (همان)

الف - ۲ - خودداری از افشای منابع اطلاعات در شهادت های قضایی :

بند ۲ جدید ماده ۱۰۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه، که در ۴ ژانویه ۱۹۹۳ پدید آمده است، تا حدودی یکی از خواسته های قدیمی روزنامه نگاران در مورد حق حفظ اسرار حرفه ای و به طور دقیق تر و شاید صحیح تر، حق آنها درباره عدم افشای منابع خبری آنان را مورد توجه قرار داده است. در بند مذکور تأکید شده است: « هر روزنامه نگار که به عنوان شاهد درباره اطلاعات کسب شده از سوی او در جریان فعالیت شغلی وی، مورد استماع قضایی قرار گیرد، آزاد است که از افشای منبع این اطلاعات خودداری کند». (همان)

باید در نظر داشت که مقررات مندرج در ماده ۱۰۹، برای عدم حضور یک شاهد در برابر قاضی مأمور بازپرسی، مجازات تعیین کرده است؛ اما مقررات مورد پیش بینی در مورد مواد ۳۲۶ و ۴۳۸ همان قانون، موضوع عدم حضور شاهد یا خودداری او از شهادت در برابر دیوان های استیناف یا دادگاه های جنحه را به همان ماده ۱۰۹ یاد شده ارجاع داده است. بنابراین، در تمام مواردی که روزنامه نگار به عنوان شاهد در برابر رسیدگی های کیفری قرار می گیرد، باید بتواند به جای حفظ اسرار مربوط به محتوای اطلاعات خود، اسرار راجع به منشأ یا منبع اطلاعات را محفوظ نگه دارد اما این توانایی، فقط به همان موارد پیش بینی شده در قانون و در همان شرایط مقرر در آن، محدود می شوند؛ به طوری که می توان گفت روزنامه نگاری که به عنوان شاهد، مورد استماع قضایی قرار می گیرد، تنها می تواند در برابر قاضی اسرار مربوط به منبع اطلاعات خود را حفظ کند و در صورتی که درباره پرونده ای خود او طرف دعوا واقع شود، حق استفاده از این حمایت یا تضمین ویژه را از دست می دهد. (همان)

به این ترتیب، شاید بتوان گفت فقط عملکردهای قضایی آینده دادگاه ها این امکان را فراهم خواهند ساخت که زمینه دقیق و حوزه شمول شناسایی قانونی حق حفظ اسرار حرفه ای روزنامه نگاران، مشخص شوند و تا زمانی که این عملکردها به طور صحیح

صورت نگیرند ، تضمین های آزادی بیان به صورت ادعای کنونی ، از خواست ها و توقع های آرمانی و اخلاق گرای روزنامه نگاران راجع به این آزادی، فاصله خواهند داشت. (همان)

نتیجه گیری:

حق حمایت از منابع اطلاعاتی و خبری ، هم در سطح بین المللی و هم در سطح داخلی کشورها به رسمیت شناخته شده است . تقریباً صد کشور جهان ، قوانین ویژه ای برای حمایت از منابع روزنامه نگاران ، در نظر گرفته اند . حفاظت از منابع ، اهمیت اولیه و ابتدایی برای روزنامه نگاران دارد تا قادر باشند اطلاعات را بدست آورند؛ با این حال این حمایت به درستی انجام نمی شود و مشاهده می شود که روزنامه نگاران به افشای منابع خبری خود وادار می شوند . اگرچه اجبار ارباب جراید به معرفی منبع اطلاعات در صورت ارتکاب جرم مطبوعاتی ، دارای این نفع اجتماعی است که ممکن است منجر به کشف جرایم دیگر شود ، ولی در مقابل این امر مخل حقوق روزنامه نگاران و آزادی مطبوعات است. حمایت از منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران مانع خود سانسوری در مطبوعات شده، مشارکت مردمی را در امر اطلاع رسانی بدون ترس از عواقب قانونی فراهم می سازد . تشویق مردم به افشای مطالب متضمن نفع اجتماعی در مطبوعات (حتی اگر نحوه کسب اطلاعات غیر قانونی باشد) ، بیشتر از شناسایی و محکوم ساختن یک خلافکار (منبع خیر) به سود اجتماع تمام می شود . این حمایت به طور مطلق اجرا نمی شود و استثنائاتی دارد؛ برای مثال در حقوق انگلستان ، گرچه حمایت از منابع اطلاعاتی روزنامه نگاران به عنوان یک اصل پذیرفته شده است ، اما این اصل مطلق نیست و دارای استثنائاتی است. مطابق ماده ۱۰ قانون اخلاص در روند دادرسی ۱۹۸۱ ، که مهم ترین متن قانونی موجود در این زمینه است ، دادگاه نمی تواند نویسنده یا روزنامه نگار را مجبور به افشای منبع اطلاعاتی منتشر شده خود کند ، مگر اینکه اثبات شود افشای آن منبع اطلاعاتی در جهت منافع عدالت یا امنیت ملی یا برای پیشگیری از اخلاص در نظم یا ارتکاب جرم ، ضروری است و از دیدگاه مقام قضایی قابل توجیه است .

در دیگرکشورها و سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل نیز حفاظت از منابع اجتناب ناپذیر است و عنصر اساسی و شرط اساسی برای آزادی مطبوعات به شمار می رود که بدون آن رسانه ها قادر نخواهند بود به طور مؤثر به جمع آوری اطلاعات و ارائه عمومی و به عنوان ناظر عمل کنند ؛ اما افشای اطلاعات مربوط به یک منبع باید به شرایط استثنایی محدود شود، آن هم در جایی که منافع حیاتی فرد یا عموم در خطر است.

در نهایت باید گفت یکی از شروط مهم آزادی بیان ، اصل حمایت از منابع اطلاعاتی جراید است. بدون چنین حمایتی ، منابع هرگز اطلاعات خودشان را در اختیار جراید نخواهند گذاشت و در نتیجه ، عموم مردم از موضوعات و اطلاعاتی که به نفع آنهاست، آگاه نخواهند شد . بنابراین ، نقش حفاظتی جراید از منابع عموم ، کم رنگ خواهد شد و حتی قابلیت های جراید، در کسب اطلاعات دقیق و معقول نیز تحت الشعاع قرار می گیرد .

الف - منابع فارسی :

- شیخ الاسلامی ، عباس ، (۱۳۸۰) ، جرایم مطبوعاتی : بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلستان ، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد ، چاپ اول .
- کری ، پیتر و ساندرز ، جو ، (۱۳۸۶) ، حقوق رسانه ، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی ، نشر میزان ، چاپ اول .
- معتمد نژاد ، کاظم ، (۱۳۸۷) ، حقوق حرفه ای روزنامه نگاران ، جلد یکم ، دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها ، چاپ دوم .

ب - منابع لاتین :

- Banisar , David , silencing sources : an international survey of protections and threats to journalists sources , Available at : www.scribd.com/doc .
- Case of Roemen and Schmit v. Luxembourg , (2003) , European Court of Human Rights .
- Case of Goodwin v. United Kingdom , (27 Mar 1996) , 22 EHRR 123, Court European Court of Human Rights .
- Case of Ernstand others v. Belgium , (15 July 2003) , European Court of Human Rights (Second Section) , Application no. 33400/96.
- Case Sanoma uitgevers b. v. v. the Netherlands , (14 Sep 2010) , Application no. 38224/03, Court European Court of Human Rights (Grand Chamber) .
- Case Financial Times Ltd & Ors v United Kingdom , (15dec 2009) , application no.821/03 , Court European Court of Human Rights .
- Case Nordisk Film & TV A/S v. Denmark , European Court of Human Right .
- Case Voskuil v. Netherlands , application No.64752/01 , court European court of human rights .

- The protection of journalists sources , doc.11881 , Council of Europe , reference 3554 , 29 may 2009 , Available at : www.assembly.coe.int .
- European federation of journalists (efj) , efj policy document on protection of sources , Available at : www.ifj.org/assets/doc .
- Voorhoof , Dirk , (2008) , Belgium : law on the protection of journalistic sources may inspire other countries , version 2 , Available at : www.psw.ugent.be/dv .
- Whistle blower broke secret of Russian sub and saved menS lives , afp , 11 august 2005 .
- White , Aidan , (2008) , The Two-Edged Sword of Legal Protection for Journalists' Rights , Available at : www.ircm.u-strasbg.fr/seminaire .

